

تیمی بهتر از انفرادی

فکر می‌کنم در همه‌ی رشته‌های ورزشی، آمادگی جسمانی و انعطاف بدن حرف اول را می‌زند. خاطر من هست وقتی برای انتخابی والیبال رفتیم یکی از آزمون‌ها حرکت پلانک بود؛ پنج نفر، پنج نفر آزمون می‌دادیم و هرکس بیشتر مقاومت می‌کرد برنده بود. من هم همراه نفراتی که جثه‌های بزرگ‌تری داشتند شروع کردم، یکی یکی کم آوردند و کنار رفتند و من همچنان ادامه دادم تا جایی که خود مربی خواست بلند شوم، این توانایی فقط به دلیل آمادگی جسمی من بود که از ورزش ژیمناستیک داشتم. با اینکه ژیمناستیک کمک بسیاری به آمادگی بدن می‌کند اما به نظر ورزش‌های تیمی بهتر هستند زیرا در کنار ورزش، تعامل اجتماعی و رفاقت و دوستی هم به وجود می‌آید. البته در ورزش حرفه‌ای ممکن است آسیبی هم برایمان پیش بیاید، مثلاً یک مرتبه که مربی سرویس محکمی روی دستم زد با پنجه جواب دادم و انگشتم به عقب برگشت و تا دو هفته دستم بسته بود.

استفاده درست از فرصت‌ها

اگر بخواهم رشته ورزشی دیگری را انتخاب کنم، حتماً شنا خواهد بود، اما اکنون در کنار ورزش به هنر گل‌دوزی و ساختن دیوارکوب‌های فانتزی و شرکت در کلاس‌های طراحی چهره و خوش‌نویسی نیز مشغول هستم. شرکت در کلاس‌های چرتکه را از پیش دبستانی آغاز کردم و اکنون ترم هفدهم این رشته را می‌گذرانم و به امید خدا پس از گذراندن ترم ۱۸ گواهی نامه چرتکه را دریافت می‌کنم و می‌توانم مربیگری کنم. عضو بسیج پایگاه شهید محرابی و از اعضای گروه سرود این پایگاه هستم و امسال در مسابقه سرود، مقام اول ناحیه را کسب کردیم. همچنین در فعالیت‌های فرهنگی اجتماعی پایگاه همکاری می‌کنم، مثلاً در محله‌های مختلف میز تبیین برگزار می‌کنیم و «سه‌شنبه‌های امام‌زمانی» داریم که دوستان اران امام‌زمان (عج) برای ایشان دل‌نوشته می‌نویسند. در جشن‌ها و عزاداری‌های ائمه اطهار (ع) هم در پایگاه، مولودی خوانی و مداحی می‌کنم. در رشته روان‌خوانی قرآن کریم شرکت کرده‌ام و الان مشغول حفظ جزء ۳۰ هستم. از سال اول ابتدایی تاکنون همیشه شاگرد اول کلاس بوده‌ام، آن‌قدر پرسشگر بودم که معلم کلاس اولم خانم خردمند به من می‌گفت: «دانشمند کوچولو».

اکنون در کلاس‌های سمپاد و پژوهش‌سرا شرکت می‌کنم و همه تلاشم قبولی در مدارس تیزهوشان است. هدفم موفقیت و پیروزی در همه زمینه‌های ورزشی، تحصیلی و هنری است و علاقه زیادی دارم که در آینده یک پزشک موفق بشوم. به دوستانم می‌گویم هرگز ناامید نشوند و دست از تلاش برندارند و همیشه جمله‌ی «من می‌توانم» را با خودشان تکرار کنند تا به این باور هم برسند.

تا این لحظه، عوامل مؤثر در پیروزی‌هایم را پشتیبانی‌ها و تشویق‌های پدر و مادرم و تلاش و اراده خودم می‌دانم و خوش‌حالم که تاکنون از فرصت‌هایم درست استفاده کرده‌ام.